

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی آثار مشارکت اجتماعی زنان در نظام مردم سالاری دینی

زهرا علیزاد نامور^۱

چکیده

زنان به عنوان بخش مهمی از بدنه فعال اجتماع و درگیر مستقیم با نهاد پویای خانواده، عملاً نقش مهمی در شناخت و حل مسئله در تمام حوزه های عمومی ایفا می کنند. مشارکت زنان در زمینه های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... یکی از شاخص های اصلی پیشرفت و توسعه هر کشوری به حساب می آید. از موضوعات اساسی که در حوزه توسعه مطرح است، میزان بهره مندی درست از توانایی های مردم در جامعه است. بنا براین باید فرصت های مناسبی برای ایجاد مشارکت عادلانه همه آحاد جامعه فراهم شود و از مزایای آن استفاده شود.

جمهوری اسلامی به عنوان یک حکمرانی متعالی که نظامی مبتنی بر مردم سالاری دینی داراست، نیازمند توجه مضاعف به این بخش و تسهیل مشارکت عمومی زنان در سطح اجتماع می باشد؛ چرا که وجه تمایز مدل مردم سالاری دینی نسبت به سایر مدل های حکومتی، توجه ویژه به نقش مردم و اعتماد متقابل بین ملت و دولت است. این تحقیق با توجه به جایگاه و تغییراتی که در موقعیت زنان جامعه ایرانی بعد از انقلاب رخ داده؛ بخشی از یافته های پژوهشی را ارائه می کند که با هدف بررسی آثار مشارکت اجتماعی زنان در نظام مردم سالاری دینی انجام گرفته است.

همینطور در این نوشتار، تلاش شده است تا با استفاده از روش توصیفی_تحلیلی و با بهره گیری از مقالات پیشین، آسیب شناسی این نوع مشارکت در حوزه خانواده نیز مورد بررسی قرار گیرد. روش گردآوری اطلاعات پژوهشی، اسنادی_کتابخانه ای می باشد.

کلیدواژه ها: مشارکت، مردم سالاری دینی، زنان، اجتماع، خانواده.

^۱ . طلبه پایه دوم حوزه علمیه صادقیه تیریز alizad_z@yahoo.com

مقدمه

روابط متقابل اعتمادآمیز میان حکومت و ملت، همواره مدنظر همه مکاتب، دولت ها و نظام های سیاسی مردم سالار در سطح جهان بوده است؛ پدیده مشارکت به معنای همکاری، نخستین رفتار اجتماعی است که از انسان سرزده می شود، همچنین در آموزه ها و اندیشه های اسلامی نیز جایگاه ویژه ای دارد که نماد آن را می توان در صدراسلام و در مدت حکومت حضرت علی علیه السلام نام برد. حضور زنان در عرصه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از موضوعاتی است که همیشه مورد پرسش جوامع بوده است. مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان نقش عمده ای در تحول و پیشرفت جوامع ایفا می کند و معمولاً میزان مشارکت زنان در بخش های گوناگون به عنوان شاخص توسعه، در نظر گرفته می شود. البته، زنان در مقایسه با مردان از مشارکت کمتری برخوردار هستند. از مباحث مهم و مطرح در جامعه مردم سالار دینی، آن است که آیا زنان مسلمان می توانند همچون مردان در جامعه حضور یافته و به ایفای نقش اجتماعی خود بپردازند؟ و آیا این مشارکت مستلزم ایجاد شرایط خاصی برای حضور زنان در اجتماع می باشد؟

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تلاش شد تا تغییرات بنیادینی در این مسئله رخ دهد و بسترها و زمینه های لازم برای مشارکت مطلوب زنان مهیا شود. مشارکت زنان در امور اجتماعی و اقتصادی نه تنها در کسب درآمد و رفاه خانواده موثر واقع می شود؛ بلکه یک منبع عظیم سرمایه گذاری برای کشور به حساب می آید و موجب افزایش شادابی و نشاط زنان نیز می شود.

پژوهش های موجود از ورود روزافزون دختران به دانشگاه ها و افزایش مشارکت کمی زنان در آموزش عالی در دهه های اخیر حکایت دارد که محققین در مقاله "ناموزنی مشارکت های زنان در آموزش عالی" به این موضوع پرداخته اند. لذا بررسی علل و نحوه مشارکت زنان در اجتماع و همچنین تاثیر آن بر خانواده از موارد دارای اهمیت در تحقیقات پیشین بوده است و به تفصیل در مقاله "تبیین راهکار مشارکت اجتماعی زنان با حفظ موقعیت خانواده" مورد بررسی قرار گرفته است.

حال این سوال ها مطرح هستند که با توجه به استعدادهای بالقوه زنان، چنانچه زمینه حضور، فعالیت و اشتغال آن ها بر اساس رعایت موازین شرعی و اخلاقی در جامعه فراهم شود؛ آیا زنان می توانند با طیب خاطر در جامعه حضور فعال و مداوم داشته باشند؟ نگاه دین مبین اسلام به این مقوله چیست؟ آیا این نوع مشارکت فقط محدود به جنبه اقتصادی می باشد یا انواع دیگری از مشارکت هم در مقوله زنان مطرح است؟ این پژوهش، ضمن پاسخگویی به پرسش های یاد شده به بررسی آثار مشارکت اجتماعی زنان در نظام مردم سالاری دینی و همچنین آسیب شناسی این نوع حضور پرداخته است.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱. مفهوم مردم سالاری دینی

حکومت مردم مدار یا سالاریت مردم در ساختار حاکمیتی، مدنظر همه مکاتب، آموزه ها و نظام های سیاسی بوده است. اغلب نظریه پردازان، نظام سیاسی_اجتماعی یا دموکراسی را ایجاد کننده و منتهی الیه مشارکت سیاسی و مردم سالاری مطرح می کنند.^۱

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و برچیدن حکومت پهلوی، مردم سالاری دینی به عنوان الگو و مدلی جدید در دسترس همگان قرار گرفت. آموزه "مردم سالاری دینی"، نظریه جدیدی در جهان سیاست است که بر خلاف مفهوم هایی مثل جمهوری اسلامی یا پارلمان اسلامی که هر دو از یک مفهوم غربی به اضافه یک قید اسلامی ترکیب شده اند، این نظریه در زمینه مبانی سیاسی اسلام و متأثر از آموزه های اسلامی و فقهی شیعه و شیوه مدیریتی حکومت های جهان اسلامی دوران حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و حکومت کوتاه مدت امام علی علیه السلام، پرچم دار عقلانیت، پیشرفت و معنویت در سطح منطقه و جهان گردید.

اولین بار اصطلاح "مردم سالاری دینی" را آیت الله خامنه ای جهت تبیین ماهیت نظام جمهوری اسلامی به کار بردند تا به جای دموکراسی مبتنی بر لیبرالیسم، سکورالیسم و امانیسم، حکومتی مبتنی بر ارزش های دینی، در چارچوب شریعت و احکام الهی برپاشود.^۲ وجه تمایز مدل مردم سالاری دینی نسبت به سایر مدل های حکومتی، توجه ویژه به نقش مردم و اعتماد متقابل بین ملت و دولت است. در مردم سالاری دینی، هدف از تشکیل حکومت، علاوه بر تامین عدالت اجتماعی، آزادی و رفاه، تامین ارزش های اخلاقی و اسلامی مورد نیاز انسان و شهروندان نیز می باشد و فقط در تامین منافع مادی خلاصه نمی شود.^۳

به طور کلی دو نقش و کارکرد برای مقبولیت مردمی در نظام مردم سالاری دینی متصور است:
۱- مشارکت در ایجاد حکومت دینی و زمینه سازی جهت انتقال قدرت به ولی منصوب از سوی خداوند.

۲. مشارکت در جهت کارآمدسازی، حفظ و حمایت و پایایی حکومت دینی.^۴

۱. بشیریه، تاریخ اندیشه سیاسی در قرن بیستم: لیبرالیسم و محافظه کاری، ج ۲، ص ۴۳.

۲. صلواتی، مقایسه مردم سالاری دینی و لیبرال دموکراسی، ص ۱۷.

۳. پورسعید، رفیعی نائینی، جایگاه حقوق شهروندی در نظام مردم سالاری دینی، ص ۱۱.

۴. شاکرین، حکومت دینی، ص ۱۰۶.

آیت الله خامنه ای به عنوان مبدع این ترکیب به منظور فهم صحیح آن اینگونه تبیین کرده اند: « این مردم سالاری دینی به ریشه های دموکراسی غربی مطلقا ارتباط ندارد. این یک چیز دیگر است. اولاً مردم سالاری دینی دو چیز نیست. اینطور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق کنیم تا بتوانیم یک مجموعه کاملی داشته باشیم. نه، خود این مردم سالاری هم متعلق به دین است. مردم سالاری هم دو سر دارد: یک سر آن عبارت است از اینکه تشکیل نظام به وسیله رای و تصمیم مردم صورت بگیرد؛ یعنی مردم نظام را انتخاب می کنند، دولت را انتخاب می کنند، این همان چیزی است که غرب ادعای آن را می کند و البته در غرب این ادعا واقعیت هم ندارد. این حرف متکی بر نظرات و حرف ها و مثال آوردن های خود برجستگان ادبیات غربی است. انتخاب مردم، یکی از دو بخش مردم سالاری دینی است؛ مردم بایستی انتخاب کنند، بخواهند، بشناسند، تصمیم بگیرند تا تکلیف شرعی بر آن ها منجز بشود. بدون شناختن و دانستن و خواستن، تکلیفی نخواهند داشت. سر دیگر قضیه مردم سالاری دینی این است که حالا بعد از اینکه من و شما را انتخاب کردند، ما در قبال آنها وظایف جدی و حقیقی داریم.»^۱

به طور خلاصه بنابر نظر ایشان مردم سالاری دینی، بر دو پایه آموزه های وحیانی و خواست و اراده مردم متکی است.^۲

۲-۱. مفهوم مشارکت اجتماعی

معنای مشارکت به مفهوم متداول امروزی، پدیده جدیدی در زندگی جوامع بشری به شمار می آید. در این مفهوم، مشارکت عبارت است از دخالت داوطلبانه، آگاهانه و همه جانبه در همه امور اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که هریک به نوعی با زندگی مردم سر و کار دارد و تاثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم گیری در این امور. مشارکت نه تنها یک راه مناسب برای رسیدن به توسعه و پیشرفت است؛ بلکه با توجه به اهمیت آن، خود به عنوان هدف توسعه نیز بیان شده است. زیرا با عدم مشارکت مردم در فعالیت های اجتماعی، توسعه ممکن یا دست کم پایدار نخواهد بود.

در توسعه پایدار همه اقشار و طبقات جامعه همچنین گروه های مختلف سنی و جنسیتی از جایگاه ویژه ای برخوردارند؛ چون تنها فقط با مشارکت مردم، می توان برنامه ها و اقدامات توسعه را

^۱ . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.

^۲ . مهاجرنیا، اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، ص ۶۵.

بر اساس نیازهای حقیقی آن‌ها پایه ریزی کرد و چون بوسیله خود مردم تعریف و طراحی می‌شوند، بنابراین مورد حمایت آن‌ها قرار داشته و پایدار خواهند ماند.^۱

۲- مشارکت اجتماعی زنان در نظام مردم سالاری دینی

بانوان به عنوان نیمی از جامعه، با حضور فعال در عرصه‌های مشارکت اجتماعی، تاثیر بسزایی در روند توسعه خواهند داشت و در صورتی که با هر علتی زمینه لازم برای مشارکت آنان در امر توسعه و پیشرفت مهیا نشود، در واقع جامعه نیمی از نیروی انسانی خود را از دست خواهد داد. از سویی دیگر، با توجه به نقش تربیتی زنان در محیط خانواده، می‌توان گفت آموزش زنان در حکم آموزش خانواده است و باعث ارتقای سطح آگاهی جامعه در زمینه‌های مختلف از جمله امر مشارکت خواهد شد و این موضوع، اهمیت نقش زنان در تحقق امر مشارکت مردمی را برجسته تر می‌نماید. اگر جامعه‌ای به دنبال سعادت باشد و بخواهد با مشکلات رو در رو نشود باید سرمایه‌گذاری مناسبی در رشد و توسعه فرهنگی و اجتماعی زنان و همچنین ارتقای سطح علمی و آگاهی آنان بنماید.

مسئله حضور بانوان در سطوح مختلف اجتماعی و مجامع علمی، همواره از جمله موارد مورد توجه کارشناسان امر به خصوص در سال‌های اخیر بوده است، رشد قبولی دختران در دانشگاه‌ها واقعیتی غیر قابل انکار است. حضور زنان دارای تحصیلات عالی در بازار کار، علاوه بر اینکه باعث رشد اقتصادی آن‌ها می‌شود؛ بر روابط خانوادگی نیز اثر گذار است. در هر جامعه معمولاً نظام‌های فرهنگی و اجتماعی بر روی نهاد‌های مختلف اجتماعی نقش مسلط و غالب داشته و به همین خاطر همسویی نهاد‌های اجتماعی با نظام فرهنگی جامعه ضرورت پیدا می‌کند زنان به عنوان بخش مهمی از جامعه می‌توانند در توسعه فرهنگی و اجتماعی نقش موثر و مفیدی داشته باشند.

در نظام مردم سالاری دینی مشارکت مطلوب عامه زنان توسط خبرگان دینی ارائه شده است که نحوه مشارکت زنان در ابتدا تابع دو محور کلی است:

نخست تابع مسئله است و نسبت به مسئله مدل‌های مختلفی را در بر می‌گیرد؛

دوم تابع نوع حکمرانی و ایدئولوژی حاکم بر حکمرانی است.

به همین سبب بسترسازی مشارکت دهی زنان در فرآیندهای مختلف نیازمند شناخت سطوح مختلف بدنه اجتماعی زنان می‌باشد که خروجی این نگاه در گفتمان دینی بر خلاف رویکرد‌های غربی، به مطالبه‌گری عمومی معتقد است.

^۱ . رنجبران، زنان و مشارکت اجتماعی و کارآفرینی، ص ۴.

نتیجه گیری

امروزه با عنایت بر فراگیری اقتصاد در بعد جهانی، نقش مشارکت مردم برای تعیین سرنوشت خود در کشورهای در حال توسعه بسیار دارای اهمیت است. از جمله چالش های بزرگی که در سالیان اخیر برای سیاستمداران و مسئولان دولتی، به وجود آمده؛ مسئله فراهم کردن شرایط برای حضور و مشارکت فعال زنان در حوزه اجتماع می باشد تا در وضعیتی مناسب و به دور از تنش بتوانند به کارآفرینی مشغول شوند.

با نهادینه شدن گفتمان مردم سالاری در نظام جهانی، مشارکت، اعتماد مردم به دولت ها و افزایش سرمایه اجتماعی، نقش بسزایی در تامین ثبات سیاسی و نحوه مقابله با تهدیدات پیدا کرده است. از آنجا که یکی از مهم ترین محورهای حکمرانی به روش مردم سالاری در نحوه تعامل با عموم مردم و گروه های هدف مثل زنان خلاصه می شود؛ لذا حاکمیت باید با در نظر گرفتن استعداد عظیم زنان در مسائل کلان کشور، زمینه های لازم برای افزایش مشارکت صحیح زنان در عرصه اجتماع و نهادهای تصمیم گیرنده و اثرگذار فراهم آورد.

از جمله این تلاش ها می توان به برقراری امنیت، خصوصا امنیت اجتماعی که زیربنای اصلی مشارکت زنان است، اشاره کرد. بر حکومت اسلامی واجب است شرایط امنیتی کشور را به گونه ای برقرار کند که زنان بتوانند به راحتی در جامعه حضور یابند. همچنین آگاهی دادن به زنان درباره نقش اثرگذار آنان در اجتماع نیز از وظایف دولت هاست که باید آن را از طرق مختلف خصوصا نظام آموزشی و رسانه های عمومی عملی کرد.

از سویی دیگر در طول تاریخ هیچ مکتبی به اندازه دین اسلام، نسبت به حفظ هویت حقیقی زن و تغییر قوانین حقوقی و انسانی که باعث بهبود وضعیت زنان شوند و تاثیرات مثبتی در تعیین سرنوشت ایشان داشته باشد، حساس نبوده است. حقوق زن در اسلام بر پایه تساوی حقوق زن و مرد می باشد و بر اساس تشابه نیست. یعنی برابری حقوقی میان آحاد انسان ها به ویژه بین دو جنس زن و مرد، از مسائل مهم مطرح شده در اسلام است ولی در برخی موقعیت ها ممکن است به دلیل تفاوت طبیعت این دو جنس احکام زنان با مردان تفاوت داشته باشد.

مسلم است که حضور زنان در مسئولیت های اجتماعی نه تنها مورد تقاضای قشر زنان بلکه اقدامی مثبت و مفید می باشد؛ در عین حال با عنایت به خطراتی که نگاه های افراطی به ضرورت مشارکت اجتماعی زنان در جوامع پیشرفته غربی دارد و توجه به این موضوع که در دین اسلام،

نقش مادری و تربیت فرزند هم برای زنان از ارزش والایی برخوردار است؛ هرگونه مشارکت اجتماعی زنان زمانی موثر و کارساز خواهد بود که زنان از عفت برخوردار باشند.

بنابراین با تاسی از احکام اسلامی می توان با حفظ ارزش های الهی و انسانی، رعایت "عفت" در روابط میان زن و مرد، توجه به نیازهای خانواده و اهمیت دادن به حقوق شوهر از آسیب های احتمالی مشارکت اجتماعی زنان جلوگیری کرد.

لازم به توضیح است گاهی اوقات با استناد بر نظرات حاکمان جامعه در نظام اسلامی، حضور زنان در عرصه های مختلف اجتماعی با رعایت موازین شرعی و اخلاقی و تناسب شغل مطلوب، حتی واجب است؛ پس متولیان امر وظیفه دارند تا زمینه را برای حضور فعال زنان در حوزه مسئولیت های اجتماعی فراهم آورند و راهکارهای علمی تر و به روزتری را در جهت تضمین حقوق اجتماعی زنان ارائه کنند.

فهرست منابع و مآخذ

*قرآن کریم

الف) کتب فارسی

۱. بشیریه، حسین، تاریخ اندیشه سیاسی در قرن بیستم: لیبرالیسم و محافظه کاری، تهران، انتشارات نی، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۵هـ ش.
۲. خمینی، امام روح الله، صحیفه نور، تهران، دفتر نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه، چاپ اول، ۱۳۶۸هـ ش.
۳. زعفرانچی، لیلا، تاثیر اشتغال زنان بر خانواده، مرکز امور زنانی خانواده ریاست جمهوری، چاپ اول، ۱۳۸۸هـ ش.
۴. شاکرین، حمیدرضا، حکومت دینی، قم، انتشارات معارف، چاپ اول، ۱۳۸۲هـ ش.
۵. صلواتی، مینا، مقایسه مردم سالاری دینی و لیبرال دموکراسی، مازندران، انتشارات دانشگاه مازندران، چاپ اول، ۱۳۹۰هـ ش.
۶. عبداللهی، محمد، زنان در عرصه عمومی، عوامل موانع و راهبرهای مشارکت مدنی زنان ایرانی، بی جا، انتشارات جامعه شناسان، چاپ اول، ۱۳۸۷هـ ش.
۷. علاسوند، فریبا، زن در اسلام، مبانی، حقوق و تکالیف، قم، انتشارات هاجر، چاپ دوم، ۱۴۰۱هـ ش.
۸. قوام، عبدالعلی، توسعه سیاسی و تحول اداری، تهران، نشر قومس، چاپ اول، ۱۳۷۴هـ ش.
۹. مشیرزاده، حمیرا، از جنبش تا نظریه اجتماعی، تاریخ دو قرن فمینیسم، تهران، انتشارات شیرازه، چاپ پنجم، ۱۳۸۹هـ ش.
۱۰. مهاجرنیا، محسن، اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹هـ ش.

ب) کتب عربی

۱۱. حر عاملی، محمدبن الحسن، **وسائل الشیعه**، تحقیق: جوادشهرستانی، لبنان، انتشارات آل البيت عليهم السلام، ۱۳۷۲ هـ ش.

ج) کتب انگلیسی

۱۲. تانگ، رزماری، **درآمدی جامع بر نظریه های فمینیستی**، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران، انتشارات نی، چاپ ششم، ۱۳۹۶ هـ ش.
۱۳. رابرتسون، ایان، **درآمدی بر جامعه**، ترجمه: حسین بهروان، مشهد، انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۲ هـ ش.
۱۴. گیدنز، آنتونی، **جامعه شناسی**، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران، انتشارات نی، چاپ چهارم، بی تا.
۱۵. نرسیانس، امیلیا، **مردم شناسی جنسیت**، ترجمه: بهمن نوروز زاده، تهران، انتشارات افکار سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ دوم، ۱۳۸۳ هـ ش.

د) مقالات

۱۶. ایرانشاهی، مجید، داوودی مکی نژاد، رضا، **"تبیین راهکار مشارکت اجتماعی زنان با حفظ موقعیت خانواده"** مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۲۸۶، سال ۱۳۹۲ هـ ش.
۱۷. پورسعید، رامین، رفیعی نائینی، فرشبد، **"جایگاه حقوق شهروندی در نظام مردم سالاری دینی بر اساس نظریه مقاصد الشریعه"**، نشریه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۵۹، تابستان ۱۴۰۱ هـ ش.
۱۸. جلالی کندی، سهیلا، **"آداب مشارکت اجتماعی زنان از منظر اسلام"**، نشریه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۴ هـ ش.
۱۹. رنجبران، رسول، **"زنان و مشارکت اجتماعی و کارآفرینی"**، نشریه کار و جامعه، شماره ۱۳۲-۱۳۳، خرداد و تیر ۱۳۹۰ هـ ش.
۲۰. سجادی، سیدابراهیم، **"قرآن و مشارکت اجتماعی زنان"**، نشریه پژوهش های قرآنی، شماره ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۰.

۲۱. . سلیمی، ناهید، "الگوی مفهومی مشارکت بدنه اجتماعی زنان در فرآیند خط مشی گذاری حوزه زنان و خانواده از منظر گفتمان دینی"، نشریه زن در توسعه و سیاست، شماره ۸۰، تابستان ۱۴۰۲ هـ.ش.
۲۲. شادی طلب، ژاله، "مشارکت اجتماعی زنان"، نشریه زن در توسعه و سیاست، شماره ۷۰، پاییز ۱۳۸۲ هـ.ش.
۲۳. عیوضی، محمدرحیم، کریمی، غلامرضا، "مشارکت اجتماعی زنان، رویکردی اسلامی"، نشریه دانش سیاسی، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ هـ.ش.
۲۴. قانع راد، محمدمبین، قدیمی، اکرم، "ناموزونی مشارکت عالی زنان در آموزش عالی"، مجله علمی پژوهشی تحقیقات زنان، شماره ۳، سال ۱۳۸۷ هـ.ش.
۲۵. کرتز، استنلی، "پایان ازدواج در اسکاندیناوی"، ترجمه: مریم رفیعی، ماهنامه علمی فرهنگی و اجتماعی زنان، شماره ۱۹، سال ۱۳۸۳ هـ.ش.

ه) سخنرانی ها

۲۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با شورای فرهنگی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۰۴.
۲۷. _____ در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.